

# مفهوم شناسی «فرهنگ» از منظر کتاب و سنت

حجت الاسلام دکتر محی‌الدین پیرام محمدیان  
معاون وزیر و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

«قرآن و سنت» معتبرترین و اصلی‌ترین منابع دین مقدس اسلام به حساب می‌آیند که اعتبار ایشان به تأیید عقل سبب شده است، همواره موضوع اندیشه‌ورزی و مرجع مواضع فکری و اعتقادی امت اسلام باشند. به گونه‌ای که پی‌جویی مفاهیم کلیدی حیات بشری در این منابع، روش مستمر مسلمانان در طول تاریخ بوده است. از جمله این مفاهیم کلیدی و مؤثر در کیفیت حیات انسان، مفهوم «فرهنگ» است. در اندیشه اسلامی فرهنگ به معنای اخص آن، مشتمل بر نظام اعتقادات، ارزش‌ها، اخلاقیات و رفتارها، و منبعث از وحی و جهت‌دهنده و محتوابخش نظام‌ها و بخش‌های جامعه است. باورها، اعتقادات و ارزش‌های اسلامی، شاکله اجزای جامعه اسلامی را ایجاد می‌کنند و پایه‌های بینش، گرایش و رفتارهای فردی اجتماعی فرد مسلمان را بنیان می‌نهند. همین یکپارچگی و درهم‌تنیدگی باورها، اعتقادات، ارزش‌ها و رفتارها، دین اسلام را به یک فرهنگ مبدل ساخته است. سازها و عناصر کلیدی این فرهنگ در منابع اصلی اسلام (قرآن و سنت) ذیل عنوان «حکمت» و «کتاب» قابل رؤیت‌اند که با اشراف به زبان قرآن و ذائقه سنت می‌توان آن‌ها را احصا کرد.

هر چند که از فرهنگ به معنا و واژه مصطلح آن (ثقافة) در قرآن و جوامع روایی تعبیری یافت نمی‌شود، اما مفاهیم مترادف و ناظر به حقیقت فرهنگ در کتاب و سنت استعمالات گوناگونی داشته است. از منظر قرآن و سنت، تحقق «حیات طیبه» هدف از انزال کتب و ارسال انبیاست و حیات طیبه (زندگی معقول و مؤمنانه) جز در ارتباط درست و مؤمنانه با خدا، خود، خلق و خلقت تعریف نمی‌شود. فرهنگ در حقیقت، لوازم و عناصر بایسته و شایسته تحقق حیات طیبه، یا به عبارت دیگر، شیوه مشروع و مطلوب ایجاد و تداوم ارتباط با چهار رکن نظام هستی است. فرهنگ از نگاه کتاب و سنت در بستر «عقلانیت»<sup>۱</sup> و «آزادی»<sup>۲</sup> شکل می‌گیرد و بر «خردورزی» و «قناعت»<sup>۳</sup> تکیه دارد. در این میان انبیا(علیهم السلام) با دو راهبرد «تبشیر» و «انذار»<sup>۴</sup> به‌عنوان تبیین‌کنندگان (ابراهیم/ع) و اصلاح‌گران فرهنگ ایفای نقش می‌کنند. چرا که از دیدگاه قرآن تنها خود انسان‌ها هستند که می‌توانند برای ارتقا و اصلاح فرهنگ خود اقدام کنند.<sup>۵</sup>

از دیدگاه قرآن، خاستگاه فرهنگ فطرت الهی است (فأقم وجهک للدين حنیفا فطرة الله التي فطر الناس علیها- روم/ ۳۰) و از همین رو قرآن خود را ذکر (مایه بیداری و تنبه فطرت- ان هو الا ذکر للعالمین- یوسف/ ۱۰۴) و پیامبر را مذكر (فذكر آتما انت مذكر- غاشیة/ ۲۱) معرفی می‌کند.

قرآن به فرهنگ خرافی و جاهلانه می‌تازد (افحکم الجاهلیة بیغون و من أحسن من الله حکما لقوم یوقنون- مائده/ ۵۰) و عرف نیکو را می‌ستاید (خذ العفو و أمر بالعرف و أعرض عن الجاهلین- اعراف/ ۱۹۹).

قرآن تجدد و نو شدن فرهنگ را به رسمیت می‌شناسد (ما نسخ من آیه أو نسیها نأت بخیر منها او مثله- بقره/ ۱۰۶).

قرآن استقرار فرهنگ و فرایند درونی‌سازی آن را تدریجی می‌داند (و قرآنا فرقناه لتقرأه علی الناس علی مکث و نزلناه تنزیلا- اسراء/ ۱۰۶) (کذالک لنثیت به فوادک و رتلناه ترتیلا- فرقان/ ۳۲).

قرآن ضمن تأیید تأثیرگذاری متقابل جامعه بر فرد (ولنک الذین هدی الله فیهدهم اقتده- انعام/ ۹۰). و (اذا فعلوا فاحشة قالوا وجدنا علیها آباءنا و الله أمرنا بها- اعراف/ ۲۸) و فرد بر جامعه (و أنذر عشیرتک الاقربین- شعراء/ ۲۱۴). (ان الفرعون علا فی الارض و جعل اهلها شیعا یتضعف طائفة منهم یدبح ابنائهم و یتسحنی نسائهم- قصص/ ۴)، متولیان فرهنگ را به تقید بر فرهنگ رهنمون می‌شود (أتأمرون الناس بالبر و تنسون أنفسکم- بقره/ ۴۴).

قرآن شاخص حقانیت فرهنگ را ابتدای به حق می‌داند نه خواست اکثریت (یا ایها الذین آمنوا ان کثیرا من الاحبار و الرهبان لیأکلون أموال الناس بالباطل و یتدون عن سبیل الله- توبه/ ۳۴) و همگان را به اتباع حق فرا می‌خواند (الذین یتبعون الرسول النبى الامی الذی یجدونه مکتوبا فی التوراة و الانجیل یأمرهم بالمعروف و ینهاهم عن المنکر یحل لهم الطیبات و

از نگاه وحی، درونی‌سازی و آموزش فرهنگ امری مستمر و تعطیل‌ناپذیر است: «لقد من الله علی المؤمنین اذ بعث فیهم رسولا یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الكتاب و الحکمة و ان



### پی‌نوشت‌ها

- عناصر کلیدی فرهنگ اسلامی در منابع معتبر، ادب، خصال، علم، اخلاق و به مفهوم عمومی آن «محاسن امور» نامیده می‌شود و همه ذیل مفهوم «حکمت» جریان دارند. این حکمت شامل هر نمود و فعالیتی است که می‌تواند نیروبخش حیات هدفدار هر فرد و جامعه باشد. اولین بنیان‌گذار و حمایت‌کننده این فرهنگ خداست که آدمی را با قلم، بیان، قریحه و ذوق، کمال‌جویی و کشف اصول پایدار و رودخانه دائم‌الجریان رویدادها مجهز ساخته و با دو بال احساسات و اندیشه او را به پرواز در آورده است. (جعفری، محمدتقی، کیهان فرهنگی، شماره ۱۵۷، آبان ۷۸) «هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الكتاب و الحکمة و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین» (جمعه/۲).
- قرآن کریم در جایی از فرهنگ به‌عنوان سنت‌ها، آداب و رسوم (قد خلت من قبلکم سنن فسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبة المکذبین- آل عمران/ ۱۳۷) یاد کرده و در جایی دیگر از آن به زبان قوم (و ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومیه لیبین لهم- ابراهیم/ ۴) تعبیر نموده است و آنجا که به فرهنگ جاهلی آن روزگار تعرض می‌کند، از آن به حکم جاهلیت (افحکم الجاهلیة بیغون و من احسن من الله حکما لقوم یوقنون- مائده/ ۵۰) یاد می‌کند.
- قد بینا لکم الایات لعلکم تعقلون (حدید/ ۱۷).
- لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی. (بقره/ ۲۵۶).
- «ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بالتی هی احسن» (نحل/ ۱۲۵). علامه طباطبایی معتقد است استواری دعوت بر سه عنصر حکمت (بیان حقایق روشن و انکارناپذیر)، موعظه (سخن‌پندآموز و خیرخواهانه) و جدال احسن (سخنی که موانع ذهنی مخاطب را به کنار می‌زند) به خردورزی و اقتناع تکیه دارد و باعث خودانگیزی انسان بر پایه آگاهی و انتخاب می‌شود. (المیزان، ج ۱۲: ۲۶۴).
- «رسلا مبشیرین و منذرین لئلا یکون للناس علی الله حجة بعد الرسل و کان الله عزیزا حکیما» (نساء/ ۱۶۵).
- «لقد جائکم رسول من انفسکم عزیز علیہ ما عنتم» (توبه/ ۱۲۸).
- قرآن بر مرجعیت و زیربنا بودن باورها و بینش‌ها در نظام فرهنگی تأکید دارد. از این رو کمتر آیهای مربوط به ارزش‌های اخلاقی یا سنت‌های اجتماعی وجود دارد که به باورها ارجاع و استناد داده نشده باشد. آیات ۱۷۲ تا ۱۹۷ و ۲۲۲ تا ۲۴۰ سوره بقره بیانگر احکام و تشریحات است و حال آنکه پشتوانه همه این دستورات باورهای چون علم، رحمت و عقاب الهی است.
- کلمه‌ای که تمسک به آن و لوازمش بین افراد جامعه تساوی ایجاد کند (طباطبایی، المیزان، ج ۳: ۳۸۹).
- کتی عن معنی التکریر بمادة التثنیة. لانّ التثنیة اول مراتب التکریر... فالقرآن ثمانی لآته مکرر الاغراض و هذا یتضمن امتنانا علی الامة بانّ اغراض کتابها مکررة فیه لتکون مقاصده ارسخ فی نفوسها و لیسمعها من فانه سماع امثالها من قبل. (ابن عاشور، التحریر و التنویر: ۶۸).

یحرم علیهم الخبائث و یضع عنهم اصرهم و الاغلال التی کانت علیهم فالذین آمنوا به و عزروه و نصره و اتبعوا النور الذی أنزل معه اولئک هم المفلحون- اعراف/ ۱۵۷).

قرآن باورهای مشترک زیست‌بوم را معتبر می‌داند و از خرد فرهنگ‌ها حمایت می‌کند (قل یا اهل الکتاب تعالوا کلمة سواء بیننا و بینکم- آل عمران/ ۶۴).

زبان فرهنگ‌سازی و فرهنگ‌پیرایی قرآن، به تناسب گستره مخاطبان به زبان عمومی است (و ما أرسلنا من رسول الا بلسان قومه لیبین لهم- ابراهیم/ ۴)

از سوی دیگر، قرآن برای القای پیام فرهنگی خود از قالب‌های فرهنگی بدیع و نوعی بهره‌جسته است؛ از آن جمله‌اند:

### انگیزش هنری

فرهنگ برای درونی شدن نیازمند روش‌های جذاب و زیباست. چرا که میان پیام فرهنگی و زیبایی پیام‌رسانی پیوند استواری وجود دارد. استفاده از استعاره، کنایه، تشبیه، تصویرسازی، داستان و... در انتقال و تثبیت پیام وحی در ذهن مخاطب تأثیر بسزایی داشته است.

### گونگونی پیام

انتقال پیام در قالب هشدار، بشارت، حکایت، تذکر، تشویق، تصویر و... با توجه به طبع تنوع طلب بشر شیوه‌ای بدیع و فرهنگی است.

### شفافیت و رسایی

آیات قرآن به رغم اشتغال بر متشابهات (هو الذی انزل علیک الکتاب منه آیات محکمات هن ام الکتاب و آخر متشابهات- آل عمران/ ۷)، از لحاظ تفهیم و رساندن پیام به مخاطب هیچ ابهام و نارسایی ندارد (هذا لسان عربی مبین- نحل/ ۱۰۳).

### ترکیبی بودن اهداف

بیان اهداف متعدد در گزاره‌های واحد از ویژگی‌های فرهنگی قرآن است. برای مثال، در گزاره‌های شرعی به تأثیر و پیامدهای اخلاقی و عاطفی اشاره می‌شود.

### تکرار و تلقین

قرآن در بیان حقایق و ارزش‌ها به یک بار بسنده نمی‌کند، بلکه در مواضع متعدد پیام خود را تکرار می‌کند؛ اما نه تکراری یکنواخت و ملال‌آور، بلکه تکراری همراه با تنوع و تازگی.